

## درهم‌تنیدگی حقوق و آزادی‌های فردی زنان با خواست‌های اقتصادی

(گفت‌وگویی کوتاه "سامان نو" با شیلا روباتم)



### طرح و تنظیم پرسش‌ها و برگردان: مینا شادمند

آزادی زنان" در انگلستان بود. در این گردهمایی چهار خواسته‌ی مهم جنبش نوین زنان مطرح شد: پرداخت دست‌مزد برابر در ازای کار برابر؛ برخوردارگی از آموزش و فرصت‌های برابر؛ ایجاد مهدکودک‌ها و شیرخوارگاه‌های ۲۴ ساعته؛ برخوردارگی از وسایل رایگان جلوگیری از بارداری و سقط جنین. شیلا در این باره می‌گوید که به نظرش این "فعالیت سیاسی کاملاً تازه‌یی بود- نه رهبری وجود داشت، نه خودپسندی و کبری و نه اختلاف‌های گروهی. ما داشتیم به زندگی زنان کارگر- نه زنان ممتاز جامعه- پیوند می‌خوردیم و این همان موضوع نان و گل سرخ بود". او هم‌چنان از هر موقعیتی برای برقراری این ارتباط می‌کوشد. در دهه‌های اخیر ضمن استادی دانشگاه، به امر پژوهش در تاریخ کارگری و چپ نیز مشغول است. روباتم می‌گوید "... فکر می‌کردم نسبت به تاریخچه‌ی زنان کارگر علاقه‌مندی دیرینه‌یی وجود داشته باشد. اما معلوم شد که نوشتن در این باره در این روزها به مراتب دشوارتر است... به آسانی می‌شود درباره‌ی نژاد و جنسیت صحبت کرد اما پرداختن به طبقه به طرز حیرت‌آوری دشوار است، گویی آن که در خلاء صحبت کنی". با این همه، روباتم به نوشتن در این باره ادامه می‌دهد. او علاوه بر پی‌گیری پژوهش درباره‌ی زندگی ادوارد کارپنتر، سوسیالیست قرن نوزدهمی انگلستان، به جنبش حق رای زنان نیز توجه ویژه نشان داد. شیلا می‌گوید در آن ایام "زنان سوسیالیست و آنارشویست بسیاری بودند که به اصلاحات رفاهی توجه نشان می‌دادند و در اداره‌ی امور در سطح شهرها و محله‌ها درگیر می‌شدند. آن‌ها بر این باور بودند که می‌توان کار، کار خانگی، و سبک و

شیلا روباتم در سال ۱۹۴۳ میلادی در یورکشایر در انگلستان متولد شد. از همان دوران جوانی به مارکسیسم روی آورد. زمانی که موفق شد با دریافت بورسی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی تاریخ به کالج سینت هیلدا در آکسفورد برود توانست با چند تن از سرآمدترین متفکران چپ مانند اریک هاباسام، ئی. پی. تامسن و باب روثورن آشنایی و دوستی به هم بزند. بعدها سیاست‌ورزی رادیکال دهه‌ی شصت بیش‌ترین تاثیر را بر او می‌گذارد. شیلا در کتاب خاطرات خود با نام **نویید یک رویا** (۲۰۰۰) لحن و مضمون نخستین مقاله‌های خود را چنین به یاد می‌آورد: "می‌دانستم که نباید زیر تاثیر صاحب‌نظران شناخته‌شده بنویسم بلکه باید احساسات و مشاهدات خودم را روی کاغذ بیاورم. هم زمان با فوران هر واژه به بیرون احساس می‌کردم یک خانه تکانی کرده‌ام". در آن ایام، هم‌چنان که اکنون، روباتم، خواه در نوشته‌های خود، خواه در فعالیت سیاسی و اجتماعی‌اش، به موضوع-های گوناگونی مانند تنظیم خانواده و جلوگیری از بارداری ناخواسته، اتحادیه‌های صنفی، دست‌مزدها، عشق و روابط جنسی می‌پردازد. در نخستین سال‌های دهه‌ی هفتاد با انتشار سه کتاب مهم با نام‌های **پنهان از تاریخ؛ زنان، مقاومت و انقلاب؛ و آگاهی زنان، دنیای مردان** در شمار تاثیرگذارترین چهره‌های جنبش آزادی زنان قرار گرفت. سیمون دوبووار، شیلا روباتم را یکی از استثنائی‌ترین نظریه-پردازان فمینیست می‌شمارد.

روباتم از جمله سازمان‌دهندگان اصلی نخستین "گردهمایی ملی



## تنشی که در جنبش سوسیالیستی بریتانیا درگرفت بسیار تلخ و آزاردهنده بود. برخی از زنها همه ی مشکلات زنان را ناشی از مردان می دانستند، حال آن که کسانی که مانند ما خود را فمینیست های سوسیالیست می دانستند، در صدد بودند به مبارزه با سرمایه داری و تبعیض طبقاتی و نژادی دست بزنند.

ی کار در دانشگاه منچستر با دشواری روبه‌رو شد زیرا مقامات دانشگاه به بهانه‌ی آن که از عهده‌ی پرداخت دست‌مزد او بر نمی‌آیند، تصمیم گرفته بودند او را ناخواسته بازنشسته کنند. کارزار موثری به سود او در همه‌جای دنیا شکل گرفت و او را به سر کار بازگرداند. شیلا که خود از این همه پشتیبانی، به ویژه از سوی دانش‌جویان، شگفت‌زده شده بود با دل‌گرمی به کار خود ادامه می‌دهد. کار تدریس در دانشگاه او را در ارتباط با نسل جوانی قرار می‌دهد که مخاطبان بالقوه‌ی روباتم به شمار می‌آیند. روباتم امیدوار است با واکاوی در تاریخ و نوشتن درباره‌ی چهره‌های رادیکال نسل‌های پیشین خوانندگان امروزی را با زندگی و علاقه‌مندی‌های کسانی آشنا کند که می‌خواستند دنیای بهتری بسازند. شنیدن نظر شیلا درباره‌ی فمینیست‌های جوان نیز خالی از لطف نیست. او با ستایش از اعتماد به نفس فمینیست‌های جوان، برای نمونه، می‌گوید “در یک گردهمایی با نیومی کلاین بودیم. او را بسیار تحسین‌انگیز یافتیم. به راحتی توانست سخنان اعتراض‌آمیز گروهی نسبتاً پراپهت از مردان چپ قدیم و چپ نو را قطع کند. چنین کاری برای هم‌نسل‌های من دشوار بود ولی او این کار را بی‌تامل انجام داد.”

\* \* \*

شیلا روباتم دارای تالیفات بی‌شماری است ولی تا همین چندی پیش هیچ اثری از او در ایران به ترجمه درنیامده بود. **سامان نو** در ادامه‌ی معرفی خود از زنان نظریه‌پرداز سرشناس، فرصت را مغتنم شمرد تا با طرح پرسش‌هایی از شیلا روباتم بخشی از آرا و اندیشه‌های او عرضه کند، با این امیدواری که اساسی‌ترین و تاثیرگذارترین کارهای او نیز به فارسی برگردانده شود.

**سامان نو:** خانم روباتم، کتاب شما به فارسی چاپ شده است. آیا از این موضوع خبر داشتید؟ البته ناشر در پیش‌گفتار گفته است که انتشار این کتاب لزوماً به معنای موافقت با مضمون آن نیست. به هر صورت، مایل‌ایم اگر براتان امکان دارد به یکی دو پرسش ما پاسخ دهید. می‌دانیم که شما سهم بزرگی در سیاست‌ورزی چپ نو داشتید و از جمله کسانی هستید که مبارزه با تبعیض‌های جنسیتی، طبقاتی و نژادی را به طور جدی وارد عرصه‌های مبارزه کردید. شما از اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد میلادی هم سرمایه‌داری و هم سلطه‌ی مردانه را، حتی در عرصه‌ی مبارزه‌ی چپ، به تعارض گرفتید. در عمل، چه طور توانستید از عهده‌ی هر دو کار برآیید؟ با چه

ساختار بناها را دوباره سازمان‌دهی کرد. زنانی مانند سیلیویا پانک-هرست که یک آبجوفروشی را در اختیار گرفت و از ساختمان آن برای ایجاد مهدکودکی که به صورت تعاونی اداره می‌شد، بهره جست. یا مارگارت آشتن که مرکزی برای زنان بی‌خانمان تاسیس کرد. تلاش آن افراد برای ایجاد جهانی مردمی‌تر مرا به یاد زنانی می‌اندازد که هم اکنون در کشورهای فقیر دارند مبارزه می‌کنند.”

شیلا روباتم استاد جامعه‌شناسی دانشگاه منچستر، در انگلستان، است و متخصص مسائل جنسیت و تاریخ کارگری به شمار می‌آید. او سال گذشته در یک گردهمایی به مناسبت بزرگ‌داشت رویدادهای ماه مه ۱۹۶۸ شرکت کرد و در سخنرانی خود زیر عنوان “شخصی و سیاسی در ۱۹۶۸” به شرح و توصیف رویدادهای ۱۹۶۸ و تاثیر آن‌ها بر زندگی و فلسفه‌اش پرداخت. او اشاره کرد که اهمیت رویدادهای ۱۹۶۸ در آن است که توانست زبانی فراهم آورد تا بتوان اهمیت تجربه‌های شخصی را دریافت و درباره‌شان بحث کرد. روباتم در ادامه گفت که تاکید بر تجربه‌ی شخصی به مثابه‌ی ابزاری برای “آزادی استوار بر اراده” به معنای تاکید بر نقش “اراده‌ی فردی” در مقام عامل تغییر اجتماعی است. البته او می‌افزاید که “اراده برای آزاد بودن” امری پیچیده است زیرا قشربندی‌های طبقاتی و پی‌آمدهای مربوط به آن از دامنه‌ی این اراده‌ورزی می‌کاهد.

آخرین نکته آن که در ماه مارس ۲۰۰۸، شیلا روباتم برای ادامه-



به مدت دو سال، در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، درگیر سازمان‌دهی زنانِ نظافت‌چی و شب‌کار ساختمان‌های اداری بودم تا بتوانند اتحادیه‌یی تشکیل دهند. بیش‌تر آن‌ها از هند غربی مهاجرت کرده بودند.

از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰، با زنانی همراه شدم که به تازگی داشتند به موقعیت زنان کارگر در سطح جهانی توجه نشان می‌دادند. بعضی از آن‌ها در صدد بودند فعالیت خود را گرد مسائل مربوط به توسعه متمرکز کنند و در این جهت بنویسند و متشکل شوند. از میان آن‌ها کسانی بر سیاست‌های سازمان ملل متحد تأثیر گذاشتند، مانند دایان السن که اقتصاددان است.

در اواخر دهه‌ی هفتاد میلادی مارگارت تاچر در انتخابات به پیروزی رسید و قدرت را به

دست گرفت و بسیاری از اعتبارات بخش دولتی را کاهش داد که در نتیجه ارائه‌ی خدمات در بیمارستان با دشواری‌هایی روبه‌رو شد. در این ایام همراه با دو دوست خود، هیلاری وین‌رایت و لین سگال کتاب **ورای تکه‌پاره‌ها** را نوشتم. این کار در حکم کوششی بود که می‌خواست نوع دیگری از سیاست‌ورزی چپ را عرضه و تبلیغ کند، به این معنا که جنبش چپ می‌تواند از جنبش‌هایی مانند فمینیسم نکته‌هایی فرا گیرد. در هر صورت، با آن که در ۱۹۷۹ حدود سه هزار نفر در کنفرانسی در شهر لیدز گرد هم آمدند ما نتوانستیم گروه‌های یادشده را متشکل نگه داریم. به علاوه، همان سال برای آخرین بار گردهمایی **“آزادی زنان”** را نیز برگزار کردیم. تنشی که در جنبش سوسیالیستی بریتانیا درگرفت بسیار تلخ و آزاردهنده بود. برخی از زن‌ها همه‌ی مشکلات زنان را ناشی از مردان می‌دانستند، حال آن که کسانی که مانند ما خود را فمینیست‌های سوسیالیست می‌دانستند، در صدد بودند به مبارزه با سرمایه‌داری و تبعیض طبقاتی و نژادی دست بزنند.

در ۱۹۸۴-۱۹۸۵، ما دست به یک بسیج عمومی برای پشتیبانی از زنان ساکن در مناطق معدنی زدیم که طی یک سالی که از اعتصاب معدن‌کاران می‌گذشت، سازمان کارآمدی را بنیاد گذاشته بودند. ضرورت بر پا کردن این سازمان از آن جا مایه گرفته بود که این زن‌ها خود را مسئول زندگی و تامین معاش اعضای خانواده خود می‌دانستند. چنین احساس نیرومندی اندک اندک آن‌ها را متوجهی قدرت‌شان در مقام زن کرد. آن چه رخ داد نه تنها بر فمینیست‌ها بلکه بر زنان کارگر



مشکلاتی برای انجام دادن هر دو جور مسئولیت روبه‌رو شدید؟ آیا هیچ پیش‌نیامد که فکر کنید از دوستان خود در یک جبهه جدا شوید و به دوستان‌تان در جبهه‌ی دیگر بپیوندید؟ چه انگیزه‌هایی شما را وامی‌دارد تا هم‌چنان در هر دو عرصه فعال باقی بمانید؟

**شیلا روباتم:** از این که بیماری آنفولانزا سبب شد پاسخ شما را با تاخیر بدهم، متاسفم. نه، من از وجود نسخه‌ی فارسی کتاب بی‌خبر بودم. اما از شنیدن این خبر شاد شدم.

راست‌اش در دهه‌ی هفتاد میلادی، عمدتاً در **“جنبش آزادی زنان”** فعالیت داشتم. در آن زمان ما با سازمان‌دهی گروه‌های کوچک ارتقای آگاهی در کارزارها و تظاهرات شرکت می‌کردیم. در واقع،

ما دست به کار سازمان‌دهی زنان در منطقه‌ی کارگرنشین و فقیرنشین لندن به نام هکنی شده بودیم و میان کسانی که در این محله‌ها گرد هم می‌آمدند و **“گروه‌های آزادی زنان”** در لندن ارتباط برقرار می‌کردیم. در دهه‌ی ۱۹۷۰ نزدیک به هفتاد گروه به این صورت متشکل شدند. ما از کارزارهای قانونی شدن سقط جنین و پخش رایگان وسایل جلوگیری از بارداری پشتیبانی می‌کردیم. وانگهی برای ایجاد مهد کودک‌ها و ارائه‌ی تسهیلات بهتری برای کودکان زیر پنج سال در سطح محله‌ها و در سطح کشور نیز مبارزه می‌کردیم. از جمله مسائلی که به آن علاقه و توجه نشان می‌دادیم کتاب‌ها و اسباب‌بازی‌های کودکان در کتابخانه‌ها بود. هم‌چنین می‌کوشیدیم زمین‌های بازی به محیط‌هایی امن برای کودکان بدل شود. برای زنان ساکن در محله‌های کارگری، مراکز نگهداری و مراقبت از مادران و کودکان نوپا بر پا می‌کردیم. تازه، برای دستیابی به بهبود خدمات بهداشتی و مراقبتی از مادران زیر پوشش **“خدمات ملی بهداشتی”** به سازمان‌دهی می‌پرداختیم. از جمله فعالیت‌های دیگر، یکی هم آن بود که تلاش می‌کردیم ماماها و مشاوران خانواده در بیمارستان‌ها را برای پاسخ‌گویی به نیازها و احساسات زنان بسیج کنیم. در این فعالیت آن دسته از کارکنان بیمارستان‌ها و نیز مددکاران کودک که در اتحادیه‌های خود فعال بودند، ما را همراهی می‌کردند. افزون بر این، از زنان عضو اتحادیه‌ها که برای اعتراض به دست‌مزدهای کم و نیز کسب رسمیت برای اتحادیه‌ها دست به اعتصاب می‌زدند، پشتیبانی می‌کردیم. خودم



## از دیدگاه تاریخی، فمینیسم امور مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی زنان است اما، در گذشته و هم‌چنین در دوران اخیر، زنان برای اعتراض به معشیت خود نیز به پا خواسته‌اند.

و بر زنان خانواده‌های کارگری تأثیری تکان‌دهنده گذاشت. زمانی که روپرت مرداک (میلیاردر معروف) نیروی اتحادیه‌ی کارگران چاپخانه‌ها را در هم کوبید، اعتصاب بسیار خشونت‌آمیزی در واپینگ (مکان چاپ-خانه‌ی جدید روزنامه‌ها و مجله‌های روپرت مردوک) در گرفت. سودی که نصیب مرداک شد او را قادر ساخت تا فاکس‌نیوز را در ایالات متحد آمریکا، که از پشتیبانان جورج بوش بود، خریداری کند. در این اعتصاب، زنان یک گروه هم‌یاری بر پا کردند که در این اقدام من هم به بعضی زنان معدن کار پیوستم. در اعتصاب دریانوردان و سپس در اوایل ۱۹۹۰ در اعتصابی که کارگران بارانداز در اعتراض به تلفات و سوانح ناشی از کار در اسکله راه انداخته بودند، گروه‌های مشابهی شکل گرفت. این گونه سازمان‌دهی قابل توجه است و تاریخچه‌ی ویژه‌ی، به خصوص در تاریخ کارگری آمریکا، دارد.

از دیدگاه تاریخی، فمینیسم امور مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی زنان است اما، در گذشته و هم‌چنین در دوران اخیر، زنان برای اعتراض به معشیت خود نیز به پا خواسته‌اند. معتقدام میان این گونه جنبش‌ها و فمینیسم خصومت‌هایی هم وجود دارد. اما این تنش‌ها را می‌توان به مدد کار مشترک فروکاست و در عمل یاد گرفت که می‌توان به هم اطمینان ورزید.

به این نتیجه رسیده‌ام که "مردسالاری" عبارت است از واژه‌یی که بر شکل ثابت و ویژه‌یی از قدرت مردانه در همه‌ی دوران‌ها و فرهنگ‌ها دلالت دارد. به نظرم، در حقیقت، "مردسالاری" شکل‌های گوناگونی به خود گرفته است و این که زنان خود بر این موضوع تأثیر گذاشته‌اند. گاهی وقت‌ها زن‌ها در موقعیت بهتری بودند ولی بعد آن موقعیت را از دست داده‌اند. برای نمونه، در بریتانیا زنان آنگلوساکسون به نسبت دوران پس از پیروزی نورمن‌ها در وضع بهتری به سر می‌بردند. بنابراین فکر نمی‌کنم پیشرفت به صورت خطی باشد. وانگهی، چه بسا زمانی که زن‌ها به توفیقی دست می‌یابند و امتیازهایی کسب می‌کنند، عقب‌گردی صورت گیرد. با این همه، معتقدام که زن‌ها همیشه، حتی هنگامی که نمی‌توانند به صورت رسمی متشکل شوند،

واقعا دارند مقاومت به خرج می‌دهند. این مقاومت شکل‌های بسیار گوناگونی به خود می‌گیرد. این گونه مقاومت‌ها، به نوعی، از راه خانواده‌ها و شبکه‌های ارتباطی انتقال می‌یابد.

در کل، تاکید بر استقلال فردی و برابری به زنان کمک کرده است تا موقعیت بهتری بیابند و فکر می‌کنم این تاکید مهم است. اما، به این ترتیب، چه بسا از نیازهای بعضی زنان غافل بمانیم. برای نمونه، زن‌هایی که کار نمی‌کنند (و خانه‌داراند) شاید با مسئله‌ی برابری چندان احساس نزدیکی نکنند و خود را با مشکلات حاملگی و مراقبت از فرزندان به آن اندازه مرتبط ندانند.

امیدوارم این اشاره‌ها را کافی بدانید.

با مهر و عواطف خواهرانه

شیلا روباتم

مارس ۲۰۰۹

۱- برای تهیه ی بخش اول این مطلب از منابع زیر بهره گرفته ام:

<http://www.greenleft.org.au/2000/428/22360>

<http://www.guardian.co.uk/lifeandstyle/2008/oct/22/women-highereducation-sheila-rowbotham-feminism>

<http://communiststudents.org.uk/2008/05/sheila-rowbotham-at-1968-and-all-that-conference/>

۲-

Naomi Klein، متولد سال ۱۹۷۰ میلادی در خانواده یی سیاسی در کانادا. کلاین گذشته از فعالیت سیاسی اجتماعی، به مقاله نویسی برای مجله هایی مانند The Nation و The Guardian و نیز نوشتن کتاب هایی درباره ی سرمایه داری، جهانی سازی، بی کاری و مانند آن مشغول است.

روباتم، شیلا. *زنان در تکاپو*، برگردان حشمت الله صباغی، تهران: شیرازه، ۱۳۸۵. البته جالب است بدانیم که نخستین مقاله از مجموعه مقاله های Socialist Register (ش ۳۴) در ویژه نامه ی خود به مناسبت ۱۵۰ سالگی مانیفست کمونیستی، به قلم خانم روباتم است. ولی در چاپ فارسی این مجموعه، مقاله ی ایشان با عنوان دکتر مارکس عزیز: نامه یی از یک فمینیست سوسیالیست ترجمه نشد.

